

کتابشناس باصلابت شیعه

مدافع مرزهای عقیده در فرهنگ مکتوب

محمدباقر انصاری زنجانی خوئی

استاد علامه قدس سره از مفاخر جامعه علمی شیعه بودند، و در رشته تخصصی خویش به عنوان یکی از چند شخصیت انگشت شمار مذهب به حساب می آمدند.

انجام وظیفه در برابر استاد، اقتضای این عرض ادب را دارد که گوشه‌ای از حیات پربار علمی ایشان را بنگام؛ چرا که طی ده سال استفاده‌های وافری از محضر ایشان برده‌ام و در این رشته خود را مدیون محبت‌های این مرد بزرگ می دانم، و می توان گفت: معارف شیعه مدیون چنین شخصیت‌های علمی است، زحمات آنان تحت توجهات حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه است که مذهب شیعه اثناعشری را در مقابل سایر ادیان و مذاهب سربلندی و استواری ابدی بخشیده است.

امام هادی علیه السلام درباره چنین بزرگ مردانی چنین می فرماید :

«تأتی علماء شیعتنا القوامون بضعفاء محبینا واهل ولایتنا یوم القیامةوالانوار تسطع من تیجانهم، علی رأس کلّ واحد منهم تاج بهاء قد انبثت تلك الانوار فی عرصات القیامة...فلا یبقی هناك یتیم قد کفلوه ومن ظلمة الجهل انقذوه ومن حیره التیه اخرجوه الا تعلق بشعبة من انوارهم فرفعتهم إلى العلو حتی یحاذی بهم فوق الجنان ثم ینزلهم علی منازلهم المعدة فی جوار استادیهم ومعلمیهم وبحضرة ائمتهم الذین كانوا یدعون الیهم...» ۱.

یعنی :

«آن دسته از علمای شیعیان ما که تعلیم معارف ضعیفان از دوستان واهل ولایت ما را بر عهده گرفته‌اند، روز قیامت وارد می شوند در حالی که بر سر هر یک از آنان تاج کرامتی است و از آنها انواری ساطع می شود که در عرصه قیامت منتشر می شود. هر یتیم اعتقادی که آنان متکفل امور او شده باشند و او را از ظلمت جهل نجات داده باشند واز حیرت نادانی بیرون آورده باشند، به شعبه‌ای از انوار ایشان متوسل می شود و آن انوار او را بالا می برند تا به درجات بالای بهشت برسند و در جایگاههای آماده خود در کنار اساتید و معلمانشان و در حضور امامانشان که مردم رابه سوی آنان دعوت می کردند، فرود آیند.»

این است تجلیل خداوند از اساطین معارف شیعه که بر ما لازم می نماید چنان شخصیت‌هایی را زنده نگه داریم. نوشته حاضر نیز به این انگیزه، برای معرفی گوشه‌ای از شخصیت والای استاد علامه در سه قسمت تقدیم شده است.

۱- متخصص باصلا بت در عقیده.

۲- شخصیتی تمام عیار در کتابشناسی شیعه.

۳- خصایص اخلاقی استاد و تأثیر عمیق آن در دنیای کتاب تشیع.

متخصصی با صلابت در عقیده

شخصیت استاد علامه سید عبد العزیز طباطبائی قدس سره، عنوان (متخصص درجه اول در کتابشناسی مذهبی شیعه) شاخص وجودی ایشان بود. تبلور این عظمت طی بیش از پنجاه سال تلاش و تجربه علمی به ضمیمه پایه‌های قوی اعتقادی شکل گرفته بود تا آنجا که آن مقام منحصر به فرد رابه جامعه معرفی کرده بود.

لزوم اعتقاد قوی در متخصصین علوم مذهبی

به عنوان مقدمه باید گفت: علوم آنگاه که با مذهب ارتباط پیدا می کنند و در راه آن به کار می روند بایستی همراه با عقیده قوی به مذهب در فکر و ذهن عالم تحقّق یابد، به خصوص علوم ابزاری که ارزش آنها فقط وسیله بودن برای موارد استفاده آنهاست. و این بدان جهت است که به کارگرفتن ابزار علمی برای دین بدون دید مذهبی، در ست مانند به کار بردن ابزار پزشکی بدون تخصص علمی آن است.

ثمرات منفی و شکننده‌ای که تا کنون از به کارگیری تخصص کتاب شناسی در شناخت کتب مذهبی بدون پایه اعتقادی قوی نصیب فرهنگ دینی ما شده قابل اغماض نیست، به خصوص آنکه شکل تدوین یافته جدید علم کتاب شناسی، در ابتدا توسط عدّه‌ای بی خبر از مبانی دینی و احیاناً دارندگان اعتقادات ضددینی رواج یافته است.

از سوی دیگر جای خالی عالمان دین مبرز که در فن کتاب شناسی تخصص داشته باشند به خوبی محسوس بوده و هست. این شکل آنگاه دو چندان می نماید که این خلأ را عدّه‌ای غیرمتخصص در دین اشغال کرده باشند. کتابشناس شیعه باید یک عالم متبحر در اعتقادات مذهب جعفری اثناعشری باشد. و از گذشته روشن و پرافتخار تاریخ تشیع و سابقه ظلمانی دشمنان شیعه آگاه باشد، و در شناخت رجال شیعه و غیر شیعه بصیرت لازم و اطلاعات قوی داشته باشد، تا بتواند با دیدی صحیح در کتب مختلفی که در موضوعات جداگانه مربوط به تشیع مطرح می شود، اظهار نظر نماید.

استاد علامه، مدافع مرزهای عقیده در فرهنگ مکتوب.

با توجه به آنچه ذکر شد، می توان اذعان داشت که استاد طباطبائی به عنوان شخصیتی مطرح بود که از یک سو عالمی وارسته و متبحر در علوم اسلامی به حساب می آمد، و از سوی دیگر مردی بود قوی در مذهب که این اعتقاد محکم را دلسوزانه در راه اعتلای مذهب به کار می گرفت، و به عنوان مرزدار باصلابت شیعه از قلعه های محکم آن دفاع می کرد و دشمنان را دفع و رسوایی نمود، و در مقابل آنچه از دین شیعه نبود در حد توان به تبیین می پرداخت.

این شکل از دفاع وقتی در دنیای کتاب جلوه می کرد صورت زیباتری به خود می گرفت، چه آنکه فرهنگ مکتوب جاودانه است، و باید دقت و ظرافت لازم درباره آن به کار رود تا سندی ارزشمند برای آیندگان باشد. پاسداری متخصص و معتقد چون استاد طباطبائی لازم است تا حراست و حفاظت از میراث خطی و چاپی را بر عهده گیرد، و جلوه گاه مکتوب از اعتقادات و احکام شیعه را از خطر دشمنان و ناآگاهان و بی تفاوتان و سست اعتقادان حفظ کند.

این جلوه بارز استاد طباطبائی بود که به حق دلگرمی شیعه و مدافع شناخته شده حریم اهل بیت علیهم السلام به حساب می آمد و همه به این حقیقت بزرگ اذعان داشتند.

سه خصیصه بزرگ در شخصیت علمی استاد :

سزاواری استاد طباطبائی برای دفاع از فرهنگ شیعه را سه خصلت مهم مضاعف می کرد :

۱- عشق به علم و ارج نهادن به آن به عنوان استوانه دین و پایه محکمی که بقاء آن را ضمانت می کند، و باعث آبرو و سربلندی آن در میان ملل می شود. این خصلت به اعلا درجه در استاد جلوه گر بود، در پیشرفت های علمی تشیع از اعماق قلب لذت می برد، و اشتیاق عجیبی به هر چه با عظمت تر و زیباتر مطرح شدن علوم آل محمد علیهم السلام در جهان داشت. از هر کتاب تازه ای که به نفع شیعه منتشر می شد مسرور می گشت و در تمجید و تشویق مؤلف آن می کوشید.

ولی این علاقه به علم مطلق نبود، و آنگاه که ثمره یک کار علمی بر ضرردین بود از آن نفرت داشت و این برائت را با صراحتی بی نظیر ابراز می کرد. از سوی دیگر دوست داشت کارهایی که به نفع تشیع است خالی از هر گونه اشتباه و شائبه باشد.

۲- بی اعتنایی به دنیا که شرط اساسی یک خدمتگزار به دین و مذهب است، و دلسوزی حقیقی آنگاه به ظهور می رسد و ثمرات آن ملموس می شود که مقاصد دنیوی در بین نباشد و یا اگر هست هدف نباشد. استاد طباطبائی بدون آنکه این بی توجهی به دنیا را لساناً اظهار کند عملاً مظهر آن بود، و آن سخاوت علمی نیز از همین جا نشأت گرفته بود.

۳- اخلاص در عمل که از اعتقادی قوی و محبتی شدید به اهل بیت علیهم السلام سرچشمه می گرفت در استاد بارز بود و به ضمیمه دو صفت قبل به اعلا درجه می رسید.

این سه خصیصه، مردی را در سنگر کتابشناسی تشیع ساخته بود که مذهب به او نیاز داشت، و دنیای کتاب شیعه با مراجعه به او می توانست با اطمینان کامل به مدافع فرهنگ خود، احساس آرامش کند.

شخصیتی تمام عیار در کتابشناسی شیعه :

از آنجاکه کتابشناسی فنی ترکیب یافته از چند علم و چند تجربه است، و نیز هر کتابی برای خود هویت منفرد و متمایزی دارد، لذا جهات خاصی رامی طالبد که از جمله موارد شاخص آن چنین است :

معیارها و شرایط کتابشناسی

۱— کتابشناسی به عنوان یک ابزار، باید مقام علمی دوم در یک کتابشناس محسوب شود. مقام اول او باید تخصص در یک یا چند رشته علمی باشد تا بتواند در کتابهای مربوط به آن موضوع علمی صاحب نظر شود و عیار علمی آنها را مشخص کند و صحیح و سقیم آنها را تفکیک نماید.

۲— وسعت اطلاعات نیز از شروط اساسی یک کتابشناس است، چرا که اختلاف موضوعات از یک سو و اختلاف کتب از سوی دیگر و اختلاف نسخه های خطی و چاپی از جهتی دیگر جوانبی است که روی هم انبوهی از مطالب را می طلبد و اکثر آنها استنباطی نیستند، بلکه اطلاعاتی در عرض هم هستند که از چپش آنها در کنار یکدیگر می توان به نتیجه دست یافت.

۳— حافظه قوی لازمه وسعت اطلاعات در فن کتابشناسی است تا در موارد تطبیقی با مراجعه فوری به معلومات تشکیل یافته بتوان قضاوت صحیح و جمع بندی شده ای تقدیم داشت، و پاسخ های قابل اطمینانی به مسایل مطرح شده داد. و این از آن روست که در کتابشناسی به خاطر پراکنده بودن و چندگونگی اطلاعات، لازمه قضاوت در هر مورد جمع بندی سریع بین آنها است، تا از استنباط بدست آمده تشخیص هویت یک کتاب و تشابه یا مغایرت آن با کتابی دیگر تبیین گردد.

۴— تجربه عملی در کتابشناسی یک شرط اساسی و غیر قابل تسامح است، و بارها دیده شده که تشخیص های افراد کم تجربه اشتباه از آب درآمده بآنکه قایل آن معلومات گسترده ای در موضوع داشته است. تجربه عملی بر روی صدها و هزاران کتاب همچون طبابتی است که بر روی صدها بیمار انجام می شود و هر مورد آن اطلاعات تازه ای به همراه دارد.

۵— تماس با اهل فن در کتابشناسی حائز اهمیت مخصوصی است، چرا که نیاز به تجربه های مختلف در جهات متفاوت. که در طول زمان ها و در برخورد با کتاب های گوناگون به دست آمده، مجموعه بزرگی از نتایج فکری را پدید

آورده که می تواند ثمرات سازنده‌ای در کتابشناسی داشته باشد. بارها دیده شده مطلبی که هزار سال پیش گفته شده تأثیر اساسی در دگرگونی مطالب بعدی داشته است.

استاد علامه نمونه کامل یک کتابشناس مذهبی

استاد طباطبائی، همه جهات مذکور را به نحو اکمل در خود داشت و در نتیجه فردی جامع در دنیای کتابشناسی بود، و برای عالم تشیع از جمله افراد انگشت شمار این فن به حساب می آمد. موارد پنجگانه‌ای که ذکر شد در ایشان به احسن وجه ظهور داشت که ذیلاً به بیان آن می پردازیم.

۱— سوابق علمی ایشان در اعتقادات و فقه و اصول و حدیث و تاریخ و رجال و نیز علوم مقدماتی در حدی بود که از وزنه‌های علمی به شمار می آمدند، و تألیفاتی نیز در این موضوعات داشتند. از این جهت قضاوت‌های ایشان در تعیین عیار علمی کتب اسلامی، و نیز تشخیص مؤلفین کتب و سایر جهات علمی کتابشناسی از اعتبار بالایی برخوردار بود چرا که پیشوانه علمی قوی داشت.

۲— وسعت اطلاعات ایشان در مورد کتب چاپی و خطی در نتیجه مطالعات مفصل کتب مربوطه و فهرس مخطوطات و مطبوعات و مسافرت‌های متعدد و تماسها و ارتباطات گوناگون از سراسر دنیا به دست آمده بود. این مجموعه به صورت گنجینه‌ای در سینه ایشان بود که هنگام اظهار نظر ارزش آن به خوبی معلوم می شد و پیدا بود آنچه می گوید جرعه‌ای از دریاست که تقدیم متعلمین می نماید.

شکی نیست که این اطلاعات و وسیع حاکمی از تلاش پیگیر و ذوق و نشاط لازم در این مسئله است و یادآور روزهای سختی است که یک محقق با عشق به موضوع مورد نظرش مسئله‌ای را دنبال می کند.

۳— حافظه قوی و فوق العاده استاد طباطبائی زبانزد همگان بود چه در مسایل مربوط به علوم مرتبط با کتابشناسی و چه در سایر یادمانده‌های زندگی علمی به قدری قوی بودند که گاهی فوریت ایشان در پاسخ به سؤالات مایه اعجاب بود. وقتی درباره نسخه‌های خطی کتابی سؤال می شد بارها دیده شده بود که فوراً چندین نسخه خطی که هر یک در یکی از کتابخانه‌های جهان بود معرفی می کردند. در سایه این حافظه قوی نقدها و اشکالات بسیار پخته‌ای به فهرس مخطوطات و نیز کتاب‌های تحقیق شده داشتند و راهنمای خوبی در رفع مشکلات و ابهامات بودند.

۴— تجربه عملی ایشان به یک دوران بیش از چهل ساله باز می گشت که به گفته خود ایشان، چه روزهای متمادی با زحمات شبانه روزی به استنساخ و بررسی نسخه‌های خطی پرداخته بودند. چه ایام پرنشاطی را ساعتها در کتابخانه‌های عمومی و شخصی گذرانده بودند و با هدف کتابشناسی به کشورهای مختلف سفر کرده بودند. مراجعات مختلف به ایشان این تجربه را دوچندان کرده بود و با دیدن بسیاری از نسخ خطی شخصی تجارب مؤثری در زمینه کتاب‌های خطی

داشتند. نتایج این تجربه‌ها گاهی بقدری جالب بود که قضاوت فوری و صد در صد صحیح ایشان با اشاره به جنبه‌هایی که دیگران کمتر می‌توانستند احتمال دهند، دلیل روشنی بر عمق تجربه‌های انبوه ایشان بود.

۵ — سابقه استاد طباطبائی با دو استاد بزرگ کتابشناسی و نسخه‌شناسی یعنی علامه حاج آقا بزرگ تهرانی و علامه شیخ عبدالحسین امینی رضوان الله علیهما به صورت ارتباطی قوی و هم دوش بوده است. شکی نیست که علامه تهرانی احیاگر کتابشناسی شیعه، بزرگ مردی بی‌همتاست که عظیم‌ترین گام را در معرفی کتب شیعه برداشته و در این جهت تا کنون نظیری نداشته است. علامه امینی نیز با توجه به رشته تخصصی اش در اعتقادات سعی وافری در به دست آوردن متون حدیثی و تاریخی و رجالی داشته، و نسخ نادر و نفیسی از سراسر جهان نزد خود گرد آورده بود. این دو عالم فرزانه، در عصری هم‌ت به چنین کارهایی گماشتند که در جامعه علمی شیعه بلکه در همه کشورهای اسلامی، فن کتابشناسی به عنوان رسمی مطرح نبود و اقدامات همه جانبه‌ای درباره آن صورت نگرفته بود.

اینک شاگردی چنین اساتیدی و همکاری نزدیک در آثار به جامانده ایشان و استفاده وافر از لحظات هم‌نشینی با این بزرگ مردان علم که سابقه آن به ربع قرن برمی‌گشت، اثرات خود را متجلی ساخته بود و از این دانشمند گرانمایه استادی ساخته بود که تجربه‌های دو استاد بزرگ را نیز در سینه داشت. این ارتباط آنقدر قوی بود که اقدام به تکمیل دو کار معروف استادان خود یعنی کتاب «الذریعه» و «الغدیر» نمود، و تحت عنوان «مستدرک الذریعه» به تکمیل اطلاعات کتب معرفی شده در «الذریعه» و نیز معرفی عناوین بسیاری که در آن معرفی نشده پرداخت، و با عنوان «علی ضفاف الغدیر» به تکمیل مدارک ذکر شده در کتاب «الغدیر» و مباحث آن پرداخت.

این توفیق خدادادی و قدرشناسی عملی، شخصیت نادری به وجود آورده بود که متأسفانه بسیاری از خاطره‌های علمی و تجربیاتش را در سینه به همراه خود برد و شاگردانش را در حسرت شنیدن و فراگرفتن آنها گذاشت.

با آنچه ذکر شد شخصیت علمی استاد طباطبائی در رشته تخصصی کتابشناسی در دنیای کتاب شیعه مشخص گردید. باید اذعان داشت که با رحلت او، شیعه شخصیتی بی‌نظیر که یادگار گذشتگان بود از دست داد، ولی جای خرسندی است که انبوه تجربیات و معلومات او به صورت نوشته‌ها و گفته‌ها باقی است و به شاگردان منتقل شده است.

خصایص اخلاقی استاد و تأثیر عمیق آن در دنیای کتاب شیعه

با آنکه استاد طباطبائی مؤسسه یا گروهی در اختیار نداشت که اهداف مفصل خود را از طریق آن پیاده و اجرا کند، ولی یک تنه توانسته بود تأثیر عمیق و مثبتی بر کتاب و کتابخانه و کتابشناسی شیعه داشته باشد، و به عبارت دیگر یک مشاور مورد اعتماد در فرهنگ شیعه به حساب می‌آمد. اینها همه در سایه روش و اخلاقی بود که در مسایل مربوط به تخصص خود در برخورد با افراد داشتند. مجموعه خصایص اخلاقی که جمع آنها شخصیتی به یادماندنی در جامعه علمی شیعه

ایجاد کرده بود و نتایج پربار آن عاید تقویت دین و رشد و ثبات فرهنگ مذهبی بود. ذیلاً به نمونه‌هایی از این خُلق پسندیده اشاره می‌شود:

سخاوت علمی

این خصلت به اعلا درجه در استاد جلوه گر بود، به طوری که با احساس هرگونه نیاز علمی — مذهبی آنچه در توان داشت در اختیار طالب می گذاشت، و بارها شاهد بودیم که با حال بیماری نیز جوابگوی درخواست‌های علمی بود. هیچ گونه بخل و منع از ایشان احساس نمی شد، و گاهی زحمات چندساله خود را در یک لحظه در اختیار می گذاشت. به یاد دارم که روزی فهرست‌های دستنویس شخصی ایشان را برای مطالعه درخواست کردم. این خواسته را که در واقع محصول عمر ایشان بود فوراً اجابت کردند و آنها را در اختیارم قرار دادند. همچنین استقبال از مراجعه کنندگان و سهل گیری در استفاده از کتابخانه ارزشمندایشان زبانزد خاص و عام بود.

دلسوزی

برخورد دلسوزانه با افراد و نیز با مسایل مطرح شده که خالی از هرگونه شائبه‌ای احساس می شد از جهات شاخص استاد طباطبائی بود. آنگاه که شخصی واقعاً اهل کار بود و نیز کار در رابطه با مذهب بود این دلسوزی دو چندان می شد و چنان استقبال و پرس و جو در مورد مربوطه می نمودند که دنیایی از عطف و دلگرمی از آن احساس می شد.

این خصیصه ایشان که در عالم دینی در حد اعلا لازم است، باعث شده بود که هر محققى با ایشان ارتباط داشت او را پدری مهربان تلقی کند و هر گونه درد دل خود را نزد او بیان کند و مشکلاتش را بدون تقید مطرح کند، و او را پناه علمی خود بداند.

سهل گیری و بی آلايشی

از خصایص دیگر استاد برخورد بسیار بی آلايش با مراجعه کنندگان بود. برداشتن هر گونه تقید و آداب دست و پاگیر، و سهل و ساده سخن گفتن با کوچک و بزرگ باعث می شد که مراجعه کننده بارهای دیگر نیز به خود اجازه دهد از محضر ایشان استفاده کند. ساعتی نبود که منزل ایشان خالی از محققین باشد و باخروج گروهی عده‌ای دیگر وارد می شدند. هر کسی می توانست کتابی را بردارد و به کار خود مشغول شود، و اگر سؤالی پیش آمد فوراً پیر سد. این بی آلايشی آن دلسوزی را به خوبی نمایان می ساخت، و زیننده آن شخصیت والا همین اخلاق بود.

ارزش دادن

حفظ حرمت هر کاری در حدّ خود وظیفه مشکلی است که هر استادی برعهده دارد. وجود دو جهت مهم در استاد طباطبائی این زمینه را به خوبی فراهم کرده بود: یکی قدرت تشخیص ارزش‌های علمی به طور کامل، و دیگری توجه خاص ایشان به عمیق و دقیق بودن کارها.

به همین جهت ایشان ارزش هر کاری را با قضاوت صحیح و به دور از هرهدف دیگری اعلام می کردند تا حق کسی ضایع نشود و محل بودن ایشان بر همه معلوم باشد. ایشان ملتزم بودند که به تناسب ارزش هر کاری احترام علمی اشخاص و درجاتشان مراعات شود، و این را برای همه بیان می کردند.

تشویق

افرادی که کارهای علمی خود را به ایشان عرضه می کردند، به خوبی تشویق‌های ایشان را به یاد دارند. ایشان این نکته را به خوبی احساس می کردند که محققین مذهبی کمتر مورد تشویق قرار می گیرند و آنگونه که باید مطرح نمی شوند. لذا به صور گوناگون مسئله تشویق و ترغیب را به کار می گرفتند، و افراد یا کارهای ارزشمند را در همه جا مطرح می کردند و آنان را برای تسهیلات علمی به مراکز مربوطه معرفی می کردند، و شاید بتوان ادعا کرد که عده‌ای برای اولین بار مشوق می یافتند که باعث سرعت و عمق کارشان بود.

تواضع

مظاهر این صفت در اعمال و رفتار ایشان بسیار بود. گاهی مطالبی را از افراد بسیار کوچکتر از خود — چه از نظر سنی و چه از نظر علمی — سؤال می کردند، و یا می خواستند که اگر تحقیق علمی در آن باره دارند عرضه کنند. با مبتدیان همان گونه برخورد می کردند که با سابقه داران اهل فن سخن می گفتند. بارها دیده می شد که شخصاً از میهمانان پذیرایی می کردند با آنکه از نظر جسمی توانایی نداشتند.

در یک کلمه کسی که با ایشان روبرو می شد نه تنها هیچ گونه احساس بلندی یا برخورد برخاسته از تکبر از ایشان نمی دید، بلکه حد اعلاّی تواضع را درایشان احساس می کرد.

صراحت

و ضوح در گفتار و تصریح به حقایق و اعلام نظر بی پرده از خصوصیات استاد بود. اگر اشکالی در یک کار علمی می دیدند به سادگی و صراحت تذکر می دادند، و اگر در پذیرش مطلبی یا کاری جواب مثبت یا منفی داشتند در اظهار آن تقیّدی نداشتند و صریحاً نظر خود را می گفتند این صراحت اعتبار سخنان ایشان را مضاعف می کرد، چرا که با دانستن این سابقه پیدا بود که آنچه می گویند عین مطالبی است که در ذهن دارند.

سکوت و کم حرفی

از خصوصیات استاد سکوت او بود. اگر از ایشان سؤالی می شد در حد لازم و مختصر و دقیق پاسخ می دادند، و پیدا بود که کلاً از تطویل کلام پرهیز داشتند، اگر هم مطلبی در بین نبود مهر سکوتی بر لب داشتند که نزد همه معروف بود.

تا اینجا مختصری از سابقه ده ساله خود با استاد علامه سید عبدالعزیز طباطبائی را به تحریر آوردم، تا سپاسگزاری خود را از الطاف و محبت‌های بی دریغ ایشان ابراز نموده باشم.

افسوس که شرایط فعالیت علمی - چه از نظر جسمی و چه از جهت شرایط عملی - برای ایشان به طور کامل فراهم نبود، و در بهترین شرایطی که امید استفاده‌های وافر از محضر ایشان می رفت، رخت از این جهان بستند و عالم تشیع را از یک سو، و فرهنگ شیعه را از سوی دیگر با فقدان خود تنها گذاشتند.

درود و رحمت پروردگار، بر روان این مرزبان عقیده باد، و خداوند او را بائمه اطهار علیهم السلام - که عمر خود را در راه آنان صرف کرد و مدافع دائمی مکتبشان بود - محشور نماید، و تأثیر ثمرات علمی ایشان را برای عالم تشیع جاودانه نماید.

قم

محمد باقر انصاری

۲۰ جمادی الثانیة ۱۴۱۷

۱۲ ابان ۱۳۷۵